

Judiciary through the quasi-judicial authorities of the Dispute Resolution Council

(Article Type: Original Research)

Hashem Farhadi¹, Ahmad Shams^{*2}

Abstract

Today, the concentration of judicial cases in the courts of justice is considered as one of the main challenges in our country's judicial system. This has led to delays in the trial, delays in the realization of the right and the failure of a fair trial. For many years, the judicial systems of the countries of the world, by establishing and using the historical, cultural, religious, traditions and customs of their society, have faced the challenge of facing this challenge and reducing the entry of judicial cases. In the contemporary world of law, de-judicialization of principles And it is considered the important policies of legal systems, and each country, depending on the system of governance, law, culture, customs and beliefs of its society, have established institutions outside the judiciary and alternative methods of resolving disputes in this regard. These organizations can resolve non-profit affairs and trivial and simple lawsuits of individuals and ultimately accelerate the realization of rights easily, cheaply and therefore more fairly, and most importantly reduce the burden on the judiciary and reduce the density of incoming cases. To be brought to justice. For almost two decades, in the Iranian legal system, the Dispute Resolution Council has been established as a quasi-judicial authority in order to de-judicialize and reduce the number of cases before the courts, and according to statistics, has played a positive role in the judiciary. The judiciary can take advantage of alternative methods (mediation, arbitration) to achieve and promote compromise by submitting a bill to amend the law of the council and change its jurisdiction to consider and issue a ruling on peace and compromise and increase the quorum of compromise jurisdiction of this institution, while focusing. The removal of the courts of justice will lead to the realization of judicial elimination in the Iranian legal system.

Keywords: Judiciary, quasi-judicial body, mediation, Dispute Resolution Council

1. Ph.D. student in Private Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Associate Professor, Department of International Law, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran; Corresponding Author: ahmad_shams1965@yahoo.com



قضا زدایی از طریق مراجع شبه قضایی (شورای حل اختلاف)

(نوع مقاله: علمی پژوهشی)

هاشم فرهادی^۱، احمد شمس^{۲*}

چکیده

امروزه تراکم پرونده‌های قضایی در محاکم دادگستری به عنوان یکی از ابر چالش‌های موجود در نظام قضایی کشور ما محسوب می‌گردد. این امر موجب اطاله دادرسی، تاخیر در احقاق حق و عدم تحقق دادرسی عادلانه شده است. از سالها پیش نظام‌های قضایی کشورهای دنیا با تأسی و استفاده از پیشینه تاریخی فرهنگی، مذهبی، سنن و عرف جامعه خود در صدد مواجهه با این چالش و کاهش ورودی پرونده‌های قضایی به دادگستری برآمدند. در دنیای معاصر حقوق، قضا زدایی از اصول و سیاست‌های مهم نظام‌های حقوقی به حساب می‌آید و هر کشور نظر به سیستم حاکمیتی، حقوقی، فرهنگ، رسوم و اعتقادات جامعه خود نهادهای خارج از دادگستری و روش‌های جایگزین حل فصل اختلافات را در این خصوص تاسیس نموده‌اند. این تشکیلات می‌توانند امور غیرترافی و دعوی کم اهمیت و ساده اشخاص را حل فصل نموده و در نهایت موجب تسریع در احقاق حق به صورت آسان، ارزان و در نتیجه عادلانه‌تر شود و از همه مهمتر موجب کاهش بار سنگین دستگاه قضایی و کاهش تراکم ورودی پرونده‌ها به دادگستری گردد. قریب به دو دهه است در نظام حقوقی ایران، شورای حل اختلاف به عنوان یک مرجع شبه قضایی در راستای قضا زدایی و کاهش ورودی پرونده به محاکم تاسیس شده و به طورنسبی مطابق آمار، عملکرد مثبتی در دستگاه قضایی ایفاء نموده است. قوه قضاییه می‌تواند ضمن بهره‌گیری از شیوه‌های جایگزین (میانجیگری، داوری) در جهت حصول و ارتقای سازش با تقدیم لایحه اصلاح قانون شورا و درخواست تغییر صلاحیت از رسیدگی و صدور حکم به صلح و سازش و افزایش نصاب صلاحیت سازشی این نهاد، ضمن تمرکز زدایی از محاکم دادگستری موجبات تحقق قضا زدایی در نظام حقوقی ایران را فراهم نماید.

واژگان کلیدی: قضا زدایی، نهاد شبه قضایی، میانجیگری، شورای حل اختلاف.

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. دانشیار گروه حقوق بین الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ نویسنده مسئول

درآمد

قضازدایی در لغت به معنای چرخش یا تغییر روش طبیعی چیزی است.^۱ که در معنای مصطلح به عنوان مکانیزمی در جهت محدود نمودن صلاحیت نهادهای دستگاه قضایی به نفع سایر نهادها و روشهای رسیدگی است.^۲ در تعریف قضازدایی این گونه بیان نموده اند: قضازدایی به مفهوم خارج ساختن عملیات مربوط به رسیدگی و حل و فصل دعاوی ناشی از جرم (که معمولاً در صلاحیت مقامات قضایی است) از گردونه اقدامات رسمی می باشد. این قطع و فصل ممکن است از طریق شیوه‌های گوناگونی از قبیل بازجویی پلیسی، مصالحه و میانجیگری صورت پذیرد، اما وجه اشتراک تمامی راهکارهای فوق خارج ساختن رسیدگی به دعاوی از مدار عدالت کیفری و حل و فصل از طریق بخش اجتماعی می باشد.^۳

در رابطه با مفهوم قضازدایی در نظریات غربی دو دیدگاه متفاوت توسعه یافته است که یکی بر جنبه‌های نظری و ذهنی تکیه دارد و دیگری بر جنبه اجرایی و عینی، بدین ترتیب که طرفداران نظریه اول گفته اند: بزهدکار از ناکرده بزه بر اثر عمل خود متمایز نیست و فقط در پی فرایند دادگستری کیفری بزهدکار شناخته می شود، کار اساسی این است که او را از این سیستم رها کنید و طرفداران نظریه عینی هدف قضازدایی را افزایش چشمگیر پرونده‌ها در مرحله تعقیب، کاهش حجم پرونده‌های جزایی و تراکم زدایی از دادگاه‌ها دانسته اند.^۴

در حقوق اسلام نیز قضازدایی مورد توجه قرار گرفته است تا آنجا که ترغیب طرفین به مصالحه در خارج از دادگاه مستحب می باشد، علاوه بر آن امکان پذیرش شفاعت در بخش وسیعی از جرایم حتی به صورت میانجیگری میان دستگاه قضایی و مجرم به منظور فراهم ساختن امکان خارج ساختن جریان دادرسی از روند کیفری و پیگرد رسمی و همچنین تشویق و توصیه موکد مجرم با رویکرد به ندامت داوطلبانه و خودداری از اقرار از فرصت‌های دیگری است که به موجب آن می توان از قضایی کردن

1. Campell Black, henry, Black, law dictionary west publishing, 1968, p 376.

۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، هاشم بیگی، حمید، دانشنامه جرم شناسی، انتشارات دانشگاه شهیدبهشتی، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۳۸۱.

۳. گسن، ریموند، جرم شناسی کاربردی، ترجمه مهدی کی نیا، ۱۳۷۰، ص ۴۴.

۴. گسن، ریموند، منبع پیشین، ص ۴۵.

ساز و کار جبران و ترمیم آثار جرم احتراز کرد.^۱ البته باید گفت که قضا‌زدایی در نظام حقوقی نیز باعث می‌شود که بسیاری از پرونده‌های حقوقی از طریق صلح و سازش حل شوند و دیگر نیازی به دادگاه‌های حقوقی جهت حل و فصل اختلافات در موضوعات جزئی نباشد. از طرف دیگر از جمله مهمترین رسالت دادگاه‌های حقوقی فصل خصومت می‌باشد که این امر می‌تواند توسط شورای حل اختلاف انجام شود.

توسعه نهادهای دآوری و شوراهای حل اختلاف یکی دیگر از روش‌های قضا‌زدایی می‌باشد. در بررسی قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴ با توجه به مواد یک و دو این نهاد تحت نظارت قوه قضاییه و زیر نظر رییس کل دادگستری استان می‌باشد. لذا از جهت اداری و مالی زیر نظر قوه قضاییه قرار دارد. با توجه به مواد چهار و پنج قانون فوق‌الذکر قاضی شورا از سوی ریاست قوه و یا نماینده وی منصوب می‌گردد پس از این جهت نیز نهادی قضایی محسوب می‌گردد. بنابراین تنها تفاوتی که مطابق قانون فوق‌الذکر با محاکم رسمی دادگستری دارند حدود صلاحیت و تشریفات رسیدگی می‌باشد و این در حالی است که مطابق با ماده ۱ آیین‌نامه ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم این شورا با همکاری شورای شهر فرمانداری و قوه قضاییه اداره می‌شد و اعضا تشکیل دهنده نیز یک نفر از سوی شورای شهر، یک نفر معتمد و یک نفر قاضی قوه قضاییه بودند.

با این اوصاف اکنون این نهاد را نمی‌توان نهادی غیرقضایی دانست چرا که کاملاً تحت نظر قوه قضاییه می‌باشد و صرفاً فاقد تشریفات رسیدگی می‌باشد. از این رو با اغماض می‌توان آن را نهادی شبه قضایی به شمار آورد. اگرچه هدف از قضا‌زدایی خارج کردن دعاوی کیفری و حقوقی از مسیر رسیدگی رسمی می‌باشد، لیکن شوراهای حل اختلاف با ساز و کار فعلی در مینه صدور حکم دارای شرایط یک محکمه رسمی بوده و در عمل اعضای شورا بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی و رعایت اصول دادرسی عادلانه اقدام به رسیدگی و اعلام نظریه مشورتی می‌نمایند و صرفاً قاضی شورا علیرغم عدم حضور در جلسه رسیدگی رای پیشنهادی را امضاء می‌نماید. البته امکان تجدیدنظر از حکم صادره در دادگاه عمومی نیز برای آرای صادره در گرفته شده است.

۱. صادقی، هادی، قضا‌زدایی در حقوق جزای اسلامی، مجله تخصصی الهیات و حقوق، شماره ۱۵ و ۱۶، ۱۳۸۴، ص

با این وصف به نظر می‌رسد تاکنون در شورا قضا زدایی به طور کامل صورت نپذیرفته است. اما عملکرد شورا در زمینه فراهم کردن بسترهای حل اختلاف و فصل خصومت از طریق صلح و سازش، و روش‌های جایگزین رسیدگی و صدور حکم را می‌توان قابل قبول و نوعی قضا زدایی به حساب آورد که نتیجه محسوس آن جلوگیری از تشکیل پرونده‌های قضایی و کاهش ورودی و تراکم پرونده در محاکم قضایی و رفع اطاله دادرسی می‌باشد. علاوه بر قضا زدایی فصل خصومت در نهاد شورا از طریق صلح و سازش از حیث حقوق فردی اولاً؛ حق طرفین را برای رسیدگی قضایی محفوظ می‌دارد، از برچسب زنی به متهم جلوگیری نموده و از لحاظ عمومی واقتصادی نیز موجب کاهش هزینه‌های مالی برای دستگاه قضایی می‌شود. نکته دیگر آنکه با تخصصی نمودن شوراهای حل اختلاف در رابطه با مسایل مختلف موضوعاتی را که دارای ماهیت قضایی نمی‌باشند، از رسیدگی قضایی خارج نموده است.^۱

در این مقاله سعی می‌شود با تبیین مفهوم قضا زدایی و مطالعه تطبیقی تجربه سایر کشورها در این خصوص، ضمن ارائه عملکرد شورای حل اختلاف در زمینه تحقق نسبی قضا زدایی از طریق آمار و گزارش عملکرد ۱۰ ساله این نهاد راهکارهای مناسب در جهت ارتقای قضا زدایی و کاهش ورودی پرونده‌ها به دادگستری ارائه گردد.

۱. تعریف و مفهوم قضا زدایی

قضا زدایی در لغت به معنای چرخش یا تغییر روش و منحرف کردن طبیعی اطلاق می‌شود. در مفهوم عام به مکانیزم‌ها و راهکارهایی فنی و حقوقی برای کاستن از تراکم دعاوی در مراجع رسمی دادگستری در جهت محدود نمودن صلاحیت‌های نهادهای دستگاه قضایی و در نتیجه، کاهش ورود و رسیدگی به پرونده در دادسرا، محاکم و سایر نهادهای دستگاه قضایی اطلاق می‌شود.^۲ به نظر می‌رسد عبارت (تمرکز زدایی از رسیدگی‌های قضایی) مفهوم بهتری از اصطلاح یاد شده منعکس سازد. شایان ذکر است قضا زدایی به منزله نفی صلاحیت عام دادگستری در رسیدگی به مراجعات بعنوان مرجع تظلم خواهی نمی‌باشد، بلکه منظور از قضا زدایی به عنوان تمرکز زدایی از سیستم قضایی می‌باشد.

۱. صادقی، هادی، منبع پیشین، ص ۱۴۸.

۲. نجفی ابرند آبادی، علی حسین، هاشم بیگی، حمید، دانشنامه جرم شناسی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۱۴۲.

۱-۱. الزامات و چرایی قضازدایی

شاید این سوال به ذهن متبادر شود که اساساً چرا باید قضازدایی انجام پذیرد، چرا برای تظلم خواهی و احقاق حق افراد جامعه در صدد بسط و گسترش تشکیلات قضایی و محاکم دادگستری نباشیم؟

در پاسخ به این سوال لازم است در ابتدا به دلیل ارتباط این موضوع با واژه تمرکز زدایی که از موضوعات علم حقوق اداری می باشد بپردازیم.

امروزه تمرکز زدایی دولت از بخش اداری و کاهش حاکمیت دولت و تقویت مشارکت های مردمی از ویژگی های دولت های مردم محور بوده و در واقع اصل بر اساس همبستگی جامعه رسمی (دولت) و جامعه غیر رسمی (مردم و نهادهای مردمی) است. این همبستگی، تراکم زدایی از سیستم قضایی می باشد که همزمان با افزایش کارایی و تسریع عملکرد این سیستم از طریق محول کردن بخشی از وظایف دستگاه قضایی به مردم را سبب می شود.

این امر افزون بر تقلیل بودجه دادگستری، نهاد قضایی را مردمی و اجتماعی می کند و از ابهامات آن در نزد افکار عمومی می کاهد و در نهایت موجب حمایت و درک عمومی مردم به آن می گردد.^۱

در مقابل قانون گذاری های متعدد و جرم انگاری های افراطی، تعیین تکلیف مداوم برای شهروندان و بسط و توسعه سازمان های متمرکز قضایی و تراکم و تمرکز امور قضایی و حقوقی در محاکم دادگستری و استفاده مطلق از کیفر درمانی برای کنترل نابهنجاری ها به جای استفاده از رویکرد ترمیمی با محوریت نهادهای اجتماعی و جامعه محل، نشاندهنده رویکرد اقتداگرایانه موجود در نظام سیاسی بسته می باشد.

البته تاثیر اندیشه قضازدایی بر حقوق اداری نباید به منزله کاهش دامنه وظایف و صلاحیت های دادگاه های عمومی و اختصاصی قضایی در مقابل توسعه اختیارات مراجع اداری و فریه کردن ساز کاره های اداری و اجرایی دولت باشد. زیرا این امر خلاف اصول دادرسی منصفانه و نقض قانون اساسی در اعطای حق دادرسی به دادگاه ها در مفهوم خاص آن، اصل ۳۴ قانون اساسی می باشد بدان معنا که قانونگذار در جریان قضازدایی می بایست در کنار توسعه اختیارات مراجع اداری، به تاسیس مراجع غیر

۱. رهگشا، امیر حسین، نگاهی به شورای حل اختلاف موضوع ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه

قضایی نو با ترکیب و صلاحیت‌های تازه پردازد. بدین ترتیب در فرایند قضا زدایی، با واگذاری بخشی از دعاوی به نهادهای مردمی از قبیل شورای حل اختلاف با حفظ ماهیت قضاوت، حل و فصل دعا و فیصله امور قضایی را که از پیچیدگی کمتری برخوردار است به نهادها واگذار نموده و در واقع مانع از ورود و تراکم دعاوی در مراجع دادگستری می‌گردد.^۱

۲. قضا زدایی، نهادها و شیوه‌های اجرایی در نظام‌های مختلف حقوقی جهان

حال که به ضرورت وجود چنین نهادهای پی‌بردیم، در این مقاله سعی بر آن است که شیوه‌های اجرا شده در سایر نظام‌های حقوقی و کشورها را بررسی نموده تا نشان دهیم تجربه عملی کدامیک از این کشورها موثر و موفق‌تر بوده است و در عمل موجب قضا زدایی و رفع تمرکز از سیستم دادگستری شده است.

بررسی عینی در برخی از کشورهای شمال مانند: آمریکا، انگلستان، فرانسه، هلند، کانادا و استرالیا نشان می‌دهد، راه اندازی نهادهای از قبیل میانجیگری، داوری، انجمن‌های حمایت از بزه‌دیدگان در راستای سیاست‌های عدالت ترمیمی در جهت اجرای بهتر عدالت و فصل خصومت حقیقی کارایی موثرتری دارند و در عمل بیش از یک سوم از پرونده‌های قضایی این کشورها به این نهاد ارجاع و در آنجا مورد رسیدگی قرار می‌گیرند.

تجربه قضایی در سایر کشورهای پیشرفته دنیا نیز ثابت کرده است. برای حرکت در جهت قضا زدایی نباید هر موضوع و بروز اختلاف میان اشخاص را به دادگاه ارجاع نمود بلکه وجود مراجع شبه قضایی که دارای اختیارات دادگاه است بسیار ضروری به نظر می‌رسد. در ذیل به نمونه‌هایی از تجربه کشورهای که گام‌های موثری در این خصوص برداشته‌اند می‌پردازیم.

۲-۱. نهادهای سازشی و شیوه‌های اجرایی قضا زدایی در حقوقی

کامن لا انگلستان

در انگلستان دادگاه‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱. سلامی، جعفر «مراجع اختصاصی شبه قضایی» انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۹.

الف) دادگاه‌های عالی: عدالت عالی‌ه را محقق می‌سازند؛ شامل دادگاه عدالت، دادگاه سلطنتی و دادگاه استیناف است. دادگاه عالی عدالت از سه شعبه تشکیل شده است: دادگاه ملکه، شعبه مهرداری، شعبه خانواده.

ب) دادگاه تالی: که در واقع سازمان‌های شبه قضایی هستند و جزء قوه قضاییه هم محسوب نمی‌شوند. این دادگاه‌ها از نظر کمیت قلمروی وسعیتری از دادگاه‌های عالی دارند. زیرا در زمینه امور حقوقی، دعاوی که خواسته دعوی کمتر از ۱۰۰۰ لیره باشد در صلاحیت دادگاه بخش می‌باشد که قسمتش از دادگاه تالی است و در امور کیفری نیز رسیدگی به جرائم کوچکتر در صلاحیت قضات.

دادگاه صلح است. بیش از ۹۰ درصد از پرونده‌ها در انگلستان در دادگاه‌های تالی نزد قضات بخش و قضات صلح (ماجسترها) داوران خصوصی و کمسیون‌های اداری حل فصل می‌شود. در این کشور ۳۰۰۰ قاضی غیرحرفه‌ای (ماجستر) که غالباً افرادی از طبقه عادی و معمولی جامعه هستند به کمک یک منشی حقوقدان به پرونده‌ها رسیدگی می‌کنند و حق الزحمه‌ای نیز دریافت نمی‌کنند وجود دارد، در کنار این‌ها ۲۹ قاضی حرفه‌ای نیز در بخش‌ها بصورت پاره وقت کار می‌کنند. مجموعه عملکرد این نهادها نقش عمده‌ای در کاهش ورودی‌ها به دادگاه‌ها و در نتیجه تحقق قضا‌دایی در این نظام حقوقی ایفا نموده است بطوری که تنها ۱۰ درصد از کل پرونده به دادگاه‌های عالی وارد و رسیدگی می‌گردد. این اقدامات اجرایی قضایی در کنار سایر عملکردهای دستگاه‌های اداری، نهادهای مدنی، آموزشی، انجمن‌های مردمی و محلی، صنفی، نقش عمده‌ای در قضا‌دایی و کاهش ورودی پرونده‌ها به دادگاه‌ها ایفا می‌نمایند.

۲-۲. ایالات متحده آمریکا

در ایالات متحده آمریکا به ویژه در سانفرانسیسکو، هیات‌هایی مردمی تحت عنوان (شورای انجمن).

که از چند عضو افتخاری تشکیل شده است و ۳ درصد از پرونده‌های ارجاعی از اداره پلیس و هیات‌های (شوراهای ملی) را رسیدگی نموده و مانع از ورود آن به سیستم قضایی می‌شوند. این هیات‌ها صرفاً جز نهادهای اجتماعی محلی و اجتماعی محسوب می‌شوند و یک جنبش کاملاً مستقل از قدرت عمومی و دادگستری از نظر مالی و چه از نظر درجه محسوب می‌شوند.

این هیات‌ها تحت تاثیر اندیشه‌های وکیل آمریکایی که در سال ۱۹۷۶ که نظام کیفری حاکم بر آمریکا را ناکارآمد دانست به وجود آمده است. و نقش قابل توجهی در قضا زدایی و حل اختلاف از طریق جامعه محل‌ها به ویژه در سانفرانسیسکو داشته است. نزدیک‌ترین نهاد ممکن به شورای حل اختلاف در دادگاه‌های فدرال، ماجستریتهای ایالات متحده^۱ هستند که دعاوی با اهمیت کمتر برای رسیدگی به آنها سپرده می‌شود اما در سایر بخش‌های نظام قضایی آمریکا هم نهادهایی وجود دارد که با شورای حل اختلاف شباهت بیشتری دارند و عمدتاً می‌توان آن‌ها را در دادگاه‌های ایالات جستجو کرد.

۲-۳. نهادهای سازشی و شیوه‌های اجرایی قضا زدایی در نظام حقوقی

رومی و ژرمنی

۲-۳-۱. فرانسه

در فرانسه نهاد سازشی در قالب داوری و میانجیگری تحت عنوان قضاات محله (ژورژدیوک سی میتی)^۲ که به قضاات در دسترس معروفند قرار دارد با هدف قضا زدایی و اجتناب از نظام کیفری به عنوان مقوله مشابه در جوار نظام قضایی کیفری ایفای نقش می‌نماید.

در حقوق فرانسه سه نوع میانجیگری وجود دارد:

میانجیگری خارج از نظام کیفری: که حسب تقاضای بزه‌کار و بزه دیده توسط

انجمن‌های مردمی انجام می‌شود.

- میانجیگری در دادسرا: که این کار یا توسط خود داسرا انجام می‌شود و یا امر

میانجیگری را به مرجعی خارج از دادسرا محول می‌کند.

- میانجیگری در دادگاه‌ها: که این امر به دو شیوه بایگانی کردن مشروط پرونده

(مثل دادگاه‌های اطفال در اتریش) و یا در چهار چوب تعلیق کیفر همراه با احاله آن به

یک نهاد خارج از نظام کیفری انجام می‌پذیرد (مثل نظام ترمیم خسارت در انگلستان)

در خصوص نظام حقوق مدنی نیز نهادهای داوری در دسترس مردم قرار دارند

و مردم بصورت اختیاری و با هدف اجتناب از رسیدگی و ورود پرونده به نظام قضایی

وقضا زدایی فعالیت می‌نمایند.

۱. نهادهای اساسی در آمریکا، فردینانداف استون، مترجم سید حسین صفایی، ناشران: جنگل جاودانه، چاپ اول تهران ۱۳۸۸

۲. مقاله حقوقی، قضاات انتصاب در فرانسه، حیدر نژاد، تهران ۱۳۹۸

۲-۳-۲. آلمان

در نظام قضایی آلمان هرگونه رسیدگی به امور کیفری بدواً منوط به ارجاع و مراجعه به نهاد میانجیگری می‌باشد. بدین ترتیب قبل از اینکه پرونده وارد رسیدگی و محاکم و داسرا شود اول جهت سازش بین طرفین به میانجیگری معرفی می‌شوند. و مطابق آمار از هر دو پرونده ارجاع شده به میانجیگری یک مورد آن منتج به سازش می‌گردد و بدینسان از ورود پرونده‌های قضایی و محاکم کاسته شده و در عمل قضا‌دایی نیز محقق می‌گردد.

۲-۴-۲. کشورهای سازشی و شیوه‌های اجرایی قضا‌دایی در نظام حقوقی

کشورهای خاور دور

۲-۴-۱. چین

در نزد مردم کشور چین قضا‌دایی ریشه در فرهنگ و سنت آنها دارد و مردمان این کشور معمولاً خارج از دنیای حقوق زندگی می‌کنند و حقوق را یک درمان نهایی برای مواردی به کار می‌برند که سایر روش‌های سازشی و حل اختلاف شکست خورده باشد. مردم این کشور تحت تاثیر تمدن چینی و اندیشه‌های اعتقادی کنفوسیوس حقوق خویش را از طریق سازش مطالبه می‌نمایند، و بر این باورند اگر شهروندی مرتکب خطایی شود نباید با طرح شکایت و با احضار به دادگاه او را محکوم کرد و با اجرای مجازات درباره او با وی همانند یک جنایتکار رفتار کرد. بلکه باید او را از این خواری و شرمندگی نجات داد. این طرز تفکر علاوه بر ترمیم و اصلاح خاطی در جامعه موجب عدم طرح دعوی و تشکیل پرونده‌های قضایی در این کشور یک و نیم میلیارد نفری شده است. در این کشور با این وسعت و حجم کثیر جمعیت هزار کمیته خلقی (نهاد سازشی) با شش میلیون عضو به میلیون‌ها مورد از اختلاف مردم رسیدگی و مانع از طرح دعوی در محاکم چین شده‌اند که از مصادیق بارز قضا‌دایی محسوب می‌گردد.

۲-۴-۲. ژاپن

در کشور ژاپن رفتن به دادگاه امری قابل سرزنش و مذموم تلقی می‌شود و مراجعه به دادگاه و مداخله قاضی یک چالش و آشفتگی اجتماعی محسوب می‌شود.

مردم ژاپن تمایل دارند اختلافات خود را خارج از محاکم و توسط خودشان از طریق سازش حل فصل کنند. از دیدگاه مردم ژاپن حل اختلاف، اعاده حق یک شخص و آنکه بگویند چه کسی سیاه و چه کسی سفید است نیست، بلکه هدف مصالحه و به سازش رسیدن دو طرف است.^۱

از این رو مردم ژاپن تمایل دارند اختلافات خود را خارج از محاکم و توسط خودشان از طریق سازش حل فصل کنند. این دلایل و مجموعه‌ای دیگر از دلایل باعث شد که رسیدگی خارج از دادگاه‌ها مورد توجه گسترده مردم قرار گیرد. در این کشور دو نهاد سازش بنا شده است.

الف) جی دان

این مرحله پیش از دادرسی جهت ایجاد سازش بین طرفین قرار دارد و مطابق عرف و سنت جامعه ژاپن از این روش استفاده می‌شود، در اجرای این روش پلیس نقش بسیار مهمی دارد و ادارات پلیس در صورت مراجعه و شکایات افراد طرفین را به این نهاد سازش ارجاع و با میانجیگری هر گونه اختلافی که به وجود آمده حل می‌شود. در اغلب موارد دعاوی در این مرحله متوقف می‌شود. در صورت عدم حصول سازش بین طرفین در نهایت آنها می‌توانند به محکمه مراجعه نمایند.

ب) شوئیتی

در صورت عدم حصول سازش در (مرحله جی دان) و یا مراجعه مستقیم طرفین به دادگاه افراد می‌توانند به جای تقدیم دادخواست یا درخواست رسیدگی قضایی از دادگاه درخواست تشکیل کمیسیون سازش را بخواهند. این کمیسیون وظیفه ارائه کمک و راه حل مرضی طرفین را دارد. کمیسیون از دو نفر میانجی (سازشکار) و یک قاضی تشکیل می‌شود. بدلیل اینکه اصحاب دعوی حضور قاضی را موجبات وارد شدن لطمه به شهرت اجتماعی و خانوادگی خود می‌دانند قاضی در جلسات شرکت نمی‌کند. استفاده ژاپن از این دو نهاد سازشی باعث شده کشور ژاپن با ۱۴۰ میلیون جمعیت در سال تنها تعداد ۲۵۰۰۰۰۰ هزار پرونده وارده به محاکم دادگستری داشته باشد.

۱. مجموعه مقالات حقوقی، اجتماعی، حمیدیان، حسن، چاپ اول، تهران ۱۳۸۷

در حالی که کشور ایران با بالغ بر هشتاد میلیون نفر جمعیت سالانه حدود هشت میلیون ورودی پرونده به مراجع قضایی دارد.^۱ به عنوان مثال، دادگاه‌های خانواده ژاپن که موفق‌ترین نوع دادگاه‌های این کشور نیز محسوب و از موقعیت ممتازی نیز نسبت به دادگاه‌های دیگر برخوردار هستند، و این موفقیت و و این ارزش و اعتبار به خاطر سازمان قضایی آن نیست بلکه به خاطر نهاد سازشی (ADR)^۲ است که در کنار دادگاه‌های خانواده در بیرون از محکمه به صورت بهتری انجام وظیفه می‌کند. در مجموع پرونده‌های وارده به این گونه شوراهای بیشتر از پرونده‌های ست که در دادگاه‌های خانواده مطرح می‌شود و نسبت صلح سازش در زمینه طلاق با نسبت رأی طلاق ۵۰ درصد است.

علاوه بر این پرونده‌های جوانان و نوجوانان زیر ۲۰ سال نیز به دلیل هم‌شکلی و هم‌سنخی و هم‌سویی مسائل مربوط به جوانان و تماس مستقیم، مستمر و تنگاتنگ با مسائل خانواده در دادگاه‌های خانواده مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و بدین طریق تمامی پرونده‌هایی که مربوط به خانواده و جوانان زیر ۲۰ ساله است ابتدا به نهاد شورای حل اختلاف که متشکل از یک قاضی و ۲ عضو از شهروندانی که دارای سابقه فعالیت اجتماعی بالایی می‌باشند ارجاع می‌گردد.

سیستم (ADR) با سه ویژگی ساده‌تر و سریع‌تر و ارزان‌تر توانست به مراتب خدماتی بهتر از سیستم حقوقی دادگاه‌ها ارائه نماید و از این طریق به زندگی حقیقی مردم و مسائل عمومی جامعه بهتر از دادگاه‌ها توجه کرده است.

در بررسی یکی دیگر از اقدامات پیشگیرانه و قضازدایی در این کشور درخصوص پرونده‌های تلفات ناشی از تصادفات در کشور ژاپن قابل ذکر است این کشور با حدود ۸۰ میلیون خودرو و بیش از ۱۰۰ میلیون سفر درون و برون شهری فقط ۶ هزار نفر تلفات ناشی از تصادف با خودرو را دارد و کشور ما ایران با حدود هشت میلیون خودرو در سال حدود ۲۵ هزار کشته و ۳۰۰ هزار مصدوم در تلفات و تصادفات درون و برون شهری دارد. در کشور ژاپن به دلیل وجود قوانین پیشگیرانه در راستای قضازدایی و نقش موثر شرکت‌های بیمه، پرونده‌های تلفات ناشی از تصادفات در کشور ژاپن اصلاً به دادگستری ارجاع نمی‌شود بلکه وکلای دادگستری با بیمه مسئله را حل فصل می‌کنند.

۱. مجموعه مقالات حقوقی، اجتماعی، حمیدیان، حسن، چاپ اول، تهران ۱۳۸۷

۲. (ADR) (به نهاد سازشی، شورای حل اختلاف ژاپن اطلاق می‌گردد که متشکل از یک قاضی و دو عضو از شهروندان با سابقه فعالیت اجتماعی هستند) - مجموعه مقالات حقوقی، اجتماعی، حمیدیان، حسن، چاپ اول، تهران ۱۳۸۷

۳. اقدامات اجرایی در راستای قضا زدایی در نظام قضایی ایران

۳-۱. توسعه قضایی

موضوع توسعه قضایی همواره از مسائل اصلی و اساسی در نظام‌های قضایی دنیا بوده است. در ایران نیز بعد از انقلاب مشروطیت و تشکیل عدلیه به عنوان یکی از چهار تشکیلات اصلی بعد از انقلاب، بدواً توسعه قضایی از لحاظ کمی و گسترش تشکیلات قضایی (شعب و کادر قضایی) در دستور کار قرار گرفت. دولت مرکزی نیز سعی در ایجاد سازمان قضایی برای این نهاد نوپا برآمد. تدوین قانون اصول محاکمات قضایی و متعاقباً اصلاح آن از جمله اقدامات اساسی در این راستا بشمار می‌رود. این روند توسعه کمی بعد از به قدرت رسیدن رژیم پهلوی نیز ادامه داشت و تقریباً دستگاه عدلیه در سرتاسر ایران دارای دادگستری و شعبات محاکم عمومی و تخصصی گردید.

اما مفهوم توسعه قضایی صرفاً رشد و گسترش کمی نمی‌باشد بلکه توسعه در معنای دقیق یک امر چند بعدی و همه جانبه بشمار می‌رود که در خصوص دستگاه قضایی به متغیرهای مستقل در جهت دستیابی به اهداف اصلی از جمله: (گسترش و اجرای عدالت، احیای حقوق عامه، ایجاد امنیت قضایی) که در حقیقت فلسفه وجودی نظام قضایی را در جامعه مشخص می‌کند برسد.

از این رو مهم‌ترین موضوعاتی که در توسعه قضایی در جامعه مدنظر قرار داد بدین شرح می‌باشد.^۱

- عدالت در دادرسی که خود شامل (حق داد خواهی آسان و ارزان برای عموم مردم، تسریع در امر رسیدگی و احقاق حق فوری)

- رفع تبعیض و اجرای صحیح عدالت و ایجاد امنیت قضایی به عنوان بخش عمده‌ای از امنیت ملی جامعه

احیای توسعه در تشکیلات قضایی مستلزم چند پیش نیاز مهم می‌باشد که در این مبحث به چند مورد اشاره می‌گردد.

الف) تصویب قوانین و آیین نامه اجرایی مناسب و انعطافی، و تعیین مصادیق اموری که ماهیت قضایی ندارند و یا از پیچیدگی کمتری برخوردارند.

ب) تربیت کادر قضایی کارآمد و قضاوت‌های انعطافی، نیروی انسانی اداری مجرب و توسعه فضای سازمانی.

۱. قهرمانی، نصرالله، توسعه قضایی و نهاد داور، مجله کانون وکلا، دوره جدید، شماره ۳

پ) ارتقاء و تبیین جایگاه وکلا و کارشناسان در نظام قضایی.
ت) آموزش و برنامه‌ریزی صحیح، کنترل نظارت، استفاده از علوم و امکانات الکترونیکی در امر دادرسی.

ج) پیشگیری به جای مبارزه، تغییر رویکرد مجازات مجرمین و جایگزینی اصلاح و ترمیم به جای کیفر و حبس در راستای جلوگیری از تورم کیفری با تغییر و توسعه در ساختار قضایی و مشارکت مردم در حل فصل منازعات.^۱
ج) مشارکت افراد جامعه به عنوان پل ارتباطی مردم با دستگاه قضایی از قبیل ایجاد و تقویت تشکیلات شبه قضایی مانند شورای حل اختلاف در جهت حل فصل و فیصله دادن دعاوی و اختلافات مردم بدون مراجعه به محاکم دادگستری و در جهت رفع اطلاع دادرسی و قضا دایی از نظام قضایی که یکی از مهمترین اهداف توسعه قضایی بشمار می‌رود.^۲

۳-۲. تاسیس نهادهای شبه قضایی

با آغاز دهه هشتاد در نظام قضایی ایران بنا به اعلام منابع رسمی قوه قضاییه سالانه ۱۳ تا ۱۵ میلیون فقره پرونده وارد دستگاه قضایی شده و مورد رسیدگی قرار می‌گرفت. که از نظر تعداد پرونده قضایی با سایر کشورها مانند چین یا هند که هر کدام بیش یک و نیم میلیارد جمعیت دارند بیشتر یا برابری می‌نمود. افزایش این حجم از پروندها که ناشی از پیامدها و زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی، شرایط اقتصادی، دلایل و علل روانی وقوع نزاع که جملگی موجب بروز جرایم و اختلافات مدنی بین افراد جامعه می‌شد. از طرفی فقدان زیر ساخت و بسترهای لازم در جامعه در جهت پیشگیری از وقوع این جرایم و اختلافات، موجب تراکم بیش از حد پرونده‌ها در دستگاه قضایی گردید. از این رو مسئولان امر به چاره‌اندیشی در مواجهه با سیل ورودی پرونده‌های مختلف قضایی برآمدند. ایجاد نهادهای شبه قضایی یکی از مهمترین راهکارهای مقابله با این چالش بود. لذا موضوع در دستور کار قرار گرفت، تا بدین ترتیب با ارجاع موضوعات غیر ترافعی و دعاوی که از لحاظ موضوعی ساده و از پیچیدگی کمتری

۱. نیاز پور، امیر حسین، توافقی شدن، آیین دادرسی کیفری، انتشارات میزان، ۱۳۹۰

۲. برگرفته از سخنرانی مرحوم آیت الله شاهرودی به مناسبت هفته قوه قضاییه در سال ۱۳۸۰- مجموع مقالات

حقوقی- اجتماعی حسن حمیدیان، تهران چاپ اول ۱۳۸۷

برخوردار بودند به مراجع شبه قضایی، از ورود حجم عظیمی از پرونده‌ها به سیستم قضایی جلوگیری بعمل آید، تا بدین ترتیب در محاکم، فرایند رسیدگی به دعاوی مهم تسریع گردد.^۱

همانطور که اشاره شد یکی از سیاست‌های صحیح در راستای توسعه قضایی در راستای تقنین قوانین مناسب تصویب ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه در جهت بالندگی نظام قضایی و ایجاد آرامش در جامعه و تقویت پیوندهای اجتماعی بوده است، از جمله دستاوردهای اجرایی این قانون، تشکیل شورای حل اختلاف و تدوین آیین‌نامه اجرایی آن بود. پس از مدت کوتاهی نظر به عملکرد قابل قبول این نهاد شبه قضایی، و از طرفی با وارد شدن برخی از ایرادات حقوقی قضات از نظر عملی و اجرایی و بروز مشکلات دایر بر اینکه آیین‌نامه نمی‌تواند صلاحیت محاکم را تعیین کند یا آن را کاهش دهد و برای این کار باید قانون ویژه‌ای تصویب شود، لذا مسئولان عالی قضایی کارشناسان امر را مامور تدوین لایحه قانونی نمودند.

اولین قانون شورای حل اختلاف در سال ۱۳۸۸ برای یک مدت آزمایشی ۵ ساله تصویب و آیین‌نامه اجرایی آن نیز تدوین گردید. متعاقباً پس از پایان مهلت آزمایش با یک تاخیر یک ساله قانون فعلی شورای حل اختلاف برای یک دوره ۳ ساله آزمایشی دیگر تصویب شد.

ایده تأسیس شورای حل اختلاف از بارزترین اقدامات نظام قضایی کشور در دهه هشتاد و در قالب برنامه سوم توسعه کشور در جهت قضا زدایی بشمارمی‌آید. این نهاد مردمی از سال ۱۳۸۱ شمسی شروع بکار کرد و بدواً به موجب آیین‌نامه از ورود برخی از جرایم کوچک و بی‌اهمیت که از لحاظ ماهیت کیفری و مجازات در حد خلاف بودند و موضوعات حقوقی و دعاوی مدنی که جریان رسیدگی آن‌ها فاقد پیچیدگی خاص قضایی بودند و موجب اتلاف وقت دادگاه می‌شد به این نهاد شبه قضایی ارجاع شد. در ادامه کار علیرغم ایرادات وارد بر نحوه عملکرد شوراهای حل اختلاف خصوصاً فاصله گرفتن از اهداف اولیه تأسیس آن و غلبه جریان رسیدگی و صدور حکم بر اهداف اولیه تأسیس آن (صلح و سازش)، اما از دیدگاه واقعه‌گرایانه شوراهای حل اختلاف در بحث کاهش ورودی پرونده‌ها به محاکم و کاهش اطاله دادرسی عملکرد مثبت و نقش خوبی ایفا کرده‌اند.

۱. حمیدیان، حسن، مقالات راجع به شورای حل اختلاف، نشریه ماوی، شماره ۴۳۹

بصورت نسبی موجبات قضا زدایی را فراهم کرده اند. هم اکنون بیش از چهار میلیون از کل پرونده‌ها به شورای حل اختلاف وارد و مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. و از این تعداد پرونده بطور میانگین ۳۳٪ درصد منتج به سازش و مختومه و بایگانی می‌شود. و بدین ترتیب از ورود یک چهارم از مجموع پرونده‌ها به محاکم و دادگستری جلوگیری می‌شود.

اگرچه شورای حل اختلاف از لحاظ کمی در کاهش ورودی پرونده‌ها به محاکم دادگستری نقش موثر و بسزایی را ایفاء نموده است و به نوعی در اجرای گام اول سیاست قضا زدایی تا حدودی نیز موفق بوده است. اما اگر بخواهیم یک نگاه واقع‌گرایانه به عملکرد این نهاد داشته باشیم ملاحظه می‌شود این نهاد بر خلاف اهداف و رسالت حقیقی خود و اجرای سیاست قضازدایی، خود گرفتار قضازدگی شده و در موازات دادگستری از وجهه سازشی خود خارج و خود تبدیل به مرجع قضایی تالی با رویکرد فصل خصومت از طریق صدور حکم شده است لذا دستگاه قضایی می‌بایست با ابهام‌زدایی از سیاست‌های قضازدایی در بدو امر نسبت به اصلاح قانون شورای حل اختلاف و آیین‌نامه موجود با رعایت اصول اساسی حقوقی مبادرت نماید. در حال حاضر باز بینی مجدد در ساختار و نحوه رسیدگی در شورای حل اختلاف در راستای جامعه عمل پوشاندن به موضوع قضازدایی و خارج نمودن بخشی از پرونده‌ها و مراعات مردمی از چرخه قضا و قضاوت دادگستری و حل فصل آن با استفاده از پتانسیل مردمی شورای حل اختلاف امری اجتناب ناپذیر است.

۳-۳. تجویز قانونی شورا بعنوان داوری و میانجیگری در جهت قضازدایی

هر چند داوری را فصل خصومت توسط غیر قاضی و بدون رعایت تشریفات رسمی رسیدگی دعاوی تعریف نموده‌اند اما براساس منطوق صریح ماده ۴۷ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۸۷ و ماده ۴۲ قانون شورای حل اختلاف لاحق مصوب ۱۳۹۴ شورا به عنوان نهاد داوری در صورت توافق طرفین به دعاوی اختلافات رسیدگی می‌کند و رعایت مقررات مربوط به داوری مطابق قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی را در رسیدگی الزامی دانسته است. با مذاقه در نص این ماده قانونی ملاحظه می‌شود، ضمن اینکه نهاد شورای حل اختلاف

می‌تواند بعنوان داور تعیین شوند در عین حال همانند سایر داوران رعایت مقررات قانون عام و امری نیز برآن الزامیست، بطوریکه در ماده ۲۲ آیین نامه اجرایی شورای حل اختلاف مصوب ۱۳۸۸ مقرر نموده اشخاصی که اهلیت اقامه دعوی دارند می‌توانند با توافق یکدیگر به شورای حل اختلاف مراجعه تا شورای حل اختلاف رأساً بین آنان داوری کرده یا برای ایشان داور انتخاب نمایند. متعاملین هم می‌توانند در ضمن معامله یا خارج از آن تراضی نمایند که در صورت بروز اختلاف به شورا مراجعه نمایند فلذا امکان داوری پیرامون اختلاف توسط شورا در قانون و آیین نامه اجرایی شورا پیش‌بینی شده است. لذا چنانچه شورای حل اختلاف بعنوان داور مرضی الطرفین در دعاوی و اختلافات تعیین شود، بر خلاف رسیدگی از نوع سازش یا تراضی که تکلیفی به رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی ندارد، الزاماً باید مقررات مربوط به داوری مندرج در ماده ۴۵۴ الی ۵۰۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی را رعایت شود.^۱ به موجب قسمتی از این مقررات، دعوی و اختلاف، اعم از اینکه در دادگاه مطرح باشد یا نشده باشد، با تراضی طرفین قابل ارجاع به داوری است، اگر پرونده در نزد مراجع قضایی در جریان رسیدگی باشد و ارجاع امر به داور در متن و مفاد قرار داد فی مابین پیش‌بینی شده باشد شورا می‌تواند به عنوان داور نسبت به رسیدگی موضوع با رویکرد سازش و رفع اختلاف اقدام نماید. در عین حال رسیدگی داوری نیز زایل نمی‌شود، مگر با تراضی کتبی طرفین دعوی یا فوت یا حجر یکی از آنان.

۴. مقایسه آماری ورودی پرونده‌های دادگستری از زمان آغاز فعالیت

شوراهای حل اختلاف

مقایسه آماری ورودی پرونده‌های قضایی به محاکم دادگستری از زمان تأسیس شورای حل اختلاف مبین کاهش چشمگیر ورود سیل عظیمی از شکایت و دادخواست‌های قضایی و در نتیجه کاهش مراجعین به دادگستری شده است.

۱. قهرمانی، نصرالله، توسعه قضایی و نهاد داوری، مجله کانون وکلا، دوره جدید، شماره ۳

میزان ورودی پنج ساله پرونده‌های محاکم از سال ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۶

ردیف	سال	تعداد پرونده های وارده به محاکم
۱	۱۳۹۲	۹۹۹۴۶۳۳ فقره
۲	۱۳۹۳	۱۰۵۵۲۳۰۲ فقره
۳	۱۳۹۴	۱۱۱۳۸۰۵۴ فقره
۴	۱۳۹۵	۱۱۸۱۳۸۶۴ فقره
۵	۱۳۹۶	۱۲۸۸۲۳۸۵ فقره

مجموع کل پرونده‌های وارده به محاکم دادگستری در بازه زمانی پنج ساله ۵۶۳۸۱۲۳۸ میلیون فقره می‌باشد.

مجموع پرونده‌های ورودی به شورای حل اختلاف در همین بازه زمانی پنج ساله ۱۷۲۰۵۷۲۴ میلیون فقره پرونده می‌باشد.

مقایسه این دو آمار نشان می‌دهد که تقریباً یک سوم از مجموع کل پرونده‌های وارده به محاکم به شورای حل اختلاف وارد شده است. به عبارت دیگر در صورت عدم وجود این نهاد در این باز زمانی یک سوم به بار موجودی محاکم دادگستری اضافه می‌گردید.

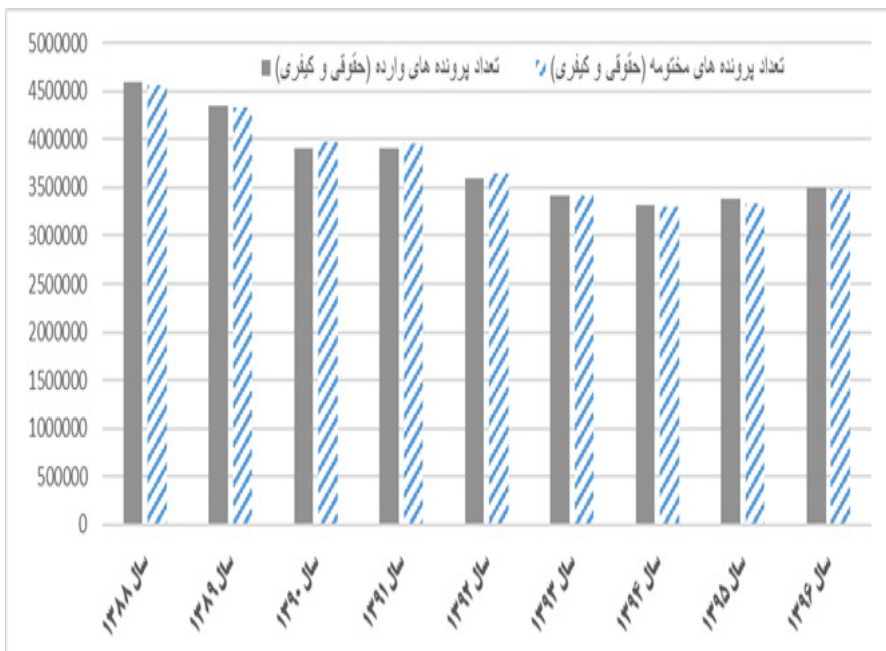
۴-۱. مقایسه آماری وارده پرونده‌های قضایی از سال ۱۳۸۸ الی

۱۳۹۷ در شورای حل اختلاف کشور

مقایسه آماری وارده پرونده‌های قضایی از سال ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۷ در شورای حل اختلاف نشان می‌دهد بطور میانگین در طول ده سال تعداد ۳۶۸۲۹۰۲۴ میلیون فقره پرونده به شورای حل اختلاف وارد و حدود میلیون فقره ۳۶۸۳۲۲۵۹ پرونده در شورای حل اختلاف رسیدگی و مختومه شده است. و تنها ۳۷۵۲۷۹ هزار فقره رسوب و مانده پرونده باقی مانده است.

جدول تعداد پرونده‌های ورودی، خروجی و مانده شوراهای حل اختلاف در بازه ۱۳۸۸ الی نه ماهه ۱۳۹۷

ردیف	سال	تعداد شوراهای	تعداد پرونده های وارده (حقوقی و کیفری)	تعداد پرونده های مختومه (حقوقی و کیفری)	تعداد پرونده های مانده
۱	سال ۱۳۸۸	۱۱۹۶۴	۴۵۹۴۲۵۱	۴۵۶۵۷۶۶	۴۷۲۳۳۴
۲	سال ۱۳۸۹	۹۶۱۴	۴۳۴۷۹۰۸	۴۳۲۷۰۰۷	۴۵۷۸۳۰
۳	سال ۱۳۹۰	۷۹۴۶	۳۹۰۴۲۱۲	۳۹۷۳۴۲۲	۳۵۸۱۸۴
۴	سال ۱۳۹۱	۸۱۹۶	۳۸۹۹۳۸۱	۳۹۵۴۲۴۶	۳۲۵۰۲۹
۵	سال ۱۳۹۲	۷۸۲۰	۳۵۹۵۴۳۳	۳۶۴۴۶۷۵	۲۸۴۳۰۵
۶	سال ۱۳۹۳	۷۴۸۵	۳۴۱۱۲۴۴	۳۴۱۷۳۸۶	۲۸۹۱۹۲
۷	سال ۱۳۹۴	۷۶۱۱	۳۳۱۱۶۹۶	۳۲۹۴۱۳۷	۲۶۱۲۹۷
۸	سال ۱۳۹۵	۶۹۰۲	۳۳۸۶۵۶۴	۳۳۳۰۳۵۰	۳۲۲۲۱۴
۹	سال ۱۳۹۶	۶۸۷۳	۳۵۰۰۷۸۷	۳۴۸۱۲۵۰	۳۴۰۴۶۱
۱۰	نه ماهه ۱۳۹۷	۷۰۳۹	۲۸۷۷۵۴۸	۲۸۴۴۰۲۰	۳۷۵۲۷۹
	جمع کل	*	۳۶۸۲۹۰۲۴	۳۶۸۳۲۲۵۹	۳۷۵۲۷۹



به بیان دیگر، همانگونه که در نمودار فوق نمایش داده شده است، از سال ۱۳۸۸ به بعد به تدریج از میزان پرونده‌های ورودی به شوراها کاسته شده است. به نحوی که در پایان سال ۱۳۹۴ این میزان به ۳/۳ میلیون پرونده رسیده است. با این حال، پس از تصویب و اجرایی شدن قانون جدید شوراهای حل اختلاف و تغییر ماهوی جنس پرونده‌ها از کیفری به حقوقی و افزایش میزان صلاحیت قانونی شوراها، مجدداً شوراها با روندی افزایشی در میزان ورودی و خروجی پرونده‌ها مواجه بوده‌اند به نحوی که در سال ۱۳۹۷، مجدداً میزان ورودی‌ها از مرز ۳/۷ میلیون پرونده در سال گذشته است.

۲-۴. وضعیت صلح و سازش در پرونده‌ها

نحوه محاسبه پرونده‌های دارای قابلیت صلح و سازش در سالهای مختلف و پیرو سیاست‌های قوه قضاییه متفاوت بوده است. بدین معنا که تا سال ۱۳۸۸ بکلی نحوه محاسبه صلح و سازش متفاوت بوده است و شاخصی تحت عنوان «پرونده‌های قابل صلح و سازش» وجود نداشت. در بازه سال‌های ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۲، طبق سیاست‌های قوه قضاییه، جلسات متعددی با مجمع تشخیص مصلحت نظام برگزار و با استفاده از شاخص‌های مدنظر این قوه و مورد تأیید آن مجمع، پرونده‌های قابل صلح و سازش از مابقی پرونده‌ها تفکیک و مبنای محاسبه بر اساس نسبت صلح به قابل صلح محاسبه گردید که معیاری منطقی‌تر بود. از سال ۱۳۹۳ دایره پرونده‌های قابل صلح محدود گردید؛ به این ترتیب که پرونده‌های کمتری در دایره شمول پرونده‌های با قابلیت صلح و سازش قرار گرفتند و این امر بر نسبت پرنده‌های صلحی افزود. با این حال، علیرغم تغییرات صورت گرفته، همچنان تغییر چندانی در افزایش میزان صلح و سازش در شوراها بوجود نیامده است. با عنایت به توضیحات فوق، در جدول ذیل، آمار و عملکرد شوراهای حل اختلاف در زمینه صلح و سازش از سال ۱۳۸۹ تا سال ۱۳۹۶ ارائه شده است.^۱

۱. عملکرد ده ساله شورای حل اختلاف، معاونت انفورماتیک مرکز امور شورای حل اختلاف قوه قضاییه، تهران، شهریور

جدول آماری تعداد پرونده‌های صلح و سازش شوراهای حل اختلاف از سال ۸۸ تا پایان سال ۱۳۹۷

سال	پرونده های منجر به صلح و سازش	پرونده های قابل صلح و سازش	نسبت صلح به قابل صلح
۱۳۸۸	۱۰۳۸۹۶۹	۳۰۶۶۵۴۷	٪۳۳/۸
۱۳۸۹	۸۹۸۹۸۵	۲۹۱۸۵۲۷	۳۱
۱۳۹۰	۸۱۲۵۷۰	۲۳۰۹۲۱۸	٪۳۵
۱۳۹۱	۸۲۵۳۱۸	۲۴۷۱۲۵۸	٪۳۳/۴
۱۳۹۲	۷۴۸۷۱۸	۲۲۸۷۵۶۷	٪۳۲/۷
۱۳۹۳	۷۱۱۷۶۸	۱۶۹۷۲۸۰	٪۴۱/۹
۱۳۹۴	۶۹۳۸۳۸	۱۹۵۰۹۹۵	٪۳۵/۶
۱۳۹۵	۶۹۱۴۷۵	۲۱۳۳۲۳۶	٪۳۲/۴
۱۳۹۶	۷۰۷۰۴۰	۲۲۷۳۷۸۱	٪۳۱/۱
۱۳۹۷	۷۱۸۲۳۴	۲۳۷۳۵۸۱	٪۳۰/۲۵

روند کاهش میزان صلح و سازش بخصوص پس از تصویب قانون شورای حل اختلاف در سال ۱۳۹۴ روندی نزولی بوده است. تحلیل چرای این روند را می‌توان در پرتو سیاست‌های حاکم بر شوراهای حل اختلاف پس از تصویب قانون فوق الذکر بررسی کرد. سیاست‌گذاری شوراهای حل اختلاف در بازه زمانی مذکور به نوعی ایجاد سد و مانع در کاهش ورودی پرونده‌های قضایی به محاکم و مراجع قضایی بوده است و این سیاست بر اهداف اصلی تاسیس آن یعنی حل اختلاف و حصول سازش غلبه نمود. به عبارتی از یک «نهاد شبه قضایی» صرف به یک «نهاد قضایی» و یکی از مراجع صدور رای تغییر رویه داد. به بیان دیگر، اگرچه شوراهای حل اختلاف در بدو تأسیس در پی یافتن مسیری جایگزین برای رسیدگی رسمی در دادگستری‌ها و استفاده از پتانسیل‌های مردمی در جهت حل و فصل دعاوی بود، در عمل در ساختار قضایی کشور به یک مرجع قضایی با صلاحیت اختصاصی و محدود تغییر یافت و حتی آرای صادره از این مرجع در کنار سایر مراجع قضایی قابل اعاده دادرسی در صورت خلاف شرع بین بودن توسط رییس محترم قوه قضاییه قرار گرفت. به این ترتیب، شوراهای حل اختلاف چاره‌ای جز بدست آوردن مشروعیت‌های لازم برای پذیرفته شدن در بدنه ساختار قضایی کشور، به عنوان یکی از بازیگران موثر را نداشت.

طبق آمار رسمی قوه قضائیه حدود ۴۹/۱۹ درصد پرونده‌های حقوقی وارده به دستگاه قضایی در سال ۱۳۹۶ در صلاحیت شوراهای حل اختلاف بود. این چالش شوراها را بیش از پیش بسوی کاهش روش‌های رسیدگی سنتی، غیررسمی و زیست بومی در حل اختلاف از قبیل: مشارکت زعمای قوم و بزرگان و ریش سفیدان محلی سوق داد. لذا شوراهای حل اختلاف با جذب نیروهای جوان و تحصیلکرده رشته‌های علوم انسانی به ویژه حقوق و ادغام آن با تجربه اعضای باسابقه، توفیقات حائز اهمیتی را در مسیر رسیدگی و صدور حکم بدست آورد. به بیان دیگر، اگر تا پیش از تصویب قانون فوق الذکر یکی از اهداف و سیاست‌های اعلامی شوراها جذب ریش‌سفیدان و متنفذین محلی در راستای حل و فصل دعاوی و اصلاح ذات‌البین بوده است، در عمل تغییر سیاست‌های قضایی کشور به دلیل افزایش ورودی پرونده‌های قضایی به دادگستری به نحوی این نهاد را از یک مرجع شبه قضایی به مرجع قضایی با صلاحیت صدور رای محدود و رسیدگی به سایر دعاوی و در خواست‌های مصرح در قانون شورا سوق داد. ای بسا مدیران قضایی در آن دوره نیز بدلیل مشکلات فراوانی (اعم از مشکلات مالی، ساختاری، کثرت ورودی پرونده‌ها و اطاله دادرسی در محاکم ...) که با آن مواجه بودند از چنین روندی استقبال کردند و با فراهم نمودن زیرساخت‌ها و مکانیزم‌های مورد نیاز فنی، اداری و قانونی سعی در حرفه‌ای نمودن این مرجع و تأکید بر روش‌های رسمی و وظیفه‌گرا در مقابل روش‌های غیررسمی و نتیجه‌گرا برآمدند. بدین ترتیب و در یک نگاه کلان شاید تا حدودی بتوان عدم توفیق در افزایش صلح و سازش در شوراها را در این موضوعات توصیف کرد. با این حال، آمار و عملکرد شوراهای حل اختلاف در زمینه صلح و سازش و اصلاح ذات‌البین در پرونده‌های به اصطلاح مهم همچون قتل عمدی، پرونده‌های مالی با میزان خواسته بیش از ۲۰۰ میلیون تومان، نزاع دسته جمعی و قومی، پرونده‌های مربوط به دعاوی مالی که از زمان شروع آن بیش از ۱۰ سال گذشته باشد و غیره، نشان دهنده این واقعیت است که شوراهای حل اختلاف با وجود همه موانع فوق الذکر، یکی از نهادهای رسمی و پذیرفته شده در فرآیند رسیدگی به دعاوی و در خواست‌های حقوقی در کنار صلاحیت اصلی آن یعنی اصلاح ذات‌البین و میانجیگری شده است. لذا می‌بایست نسبت به تقویت سرمایه اجتماعی چنین نهادی و افزایش اعتماد عمومی به آن، قدم‌های موثری برداشت و این ممکن نخواهد بود مگر با حمایت صددرصدی همه قوا و بالاخص قوه قضائیه.

آمار پرونده‌های مهم صلح و سازش شده استان‌ها در بازه ۱۰ ساله ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۷

حوزه‌های قضایی سراسر کشور	فصل عمدی	پرونده‌های مالی با میزان خواسته بیش از ۲۰۰ میلیون	نزاع دسته جمعی و فیزی	پرونده‌های مربوط به دعاوی حقوقی (ملکی و غیره) که از زمان شروع آن بیش از ۱۰ سال گذشته باشد	پرونده‌های مهم از نظر کارشناسان خبره و معاون محترم قضایی استان	جمع کل
جمع	۱۴۶۰	۶۳۲۸	۴۳۷۷	۸۷۸۶	۲۱۲۰۸	۴۱۸۸۰

۵. برخی از تاثیرات عملکرد شوراهای دادگستری در راستای سیاست

قضازدایی

- کاهش ورودی پرونده به دادگستری؛
- کاهش موجودی پرونده‌های محاکم؛
- جلوگیری از روند افزایش وارده‌های دادگستری‌ها؛
- کاهش قطعی ورودی پرونده‌ها به لحاظ مختومه شدن آن با صلح سازش؛
- جلوگیری از طرح دعاوی بعدی در دستگاه قضایی به لحاظ حصول صلح و سازش؛
- حبس زدایی و کاهش جمعیت کیفری زندانها از طریق احیاء عفو و گذشت و صلح و سازش.

۶. چالش‌های فرا روی شورای حل اختلاف در تحقق قضازدایی

- عدم برخورداری شورای حل اختلاف از قانون دائمی، با رویکرد اصلی صلح و سازش و بلا تکلیفی و اختلاف در صلاحیت ذاتی آن به عنوان یک مرجع قضایی یا شبه قضایی؛
- عدم تعریف نقش قاضی شورا در جلسات شورا و محدود نمودن وی به امضای تصمیمات اعضای شورا؛
- عدم جذب و بکارگیری افراد متخصص در امر صلح و سازش و ترکیب ناهمگون اعضای شورا و غلبه جنسیت زنان نسبت به مردان در شعب شورا، و عدم رعایت اصول اولیه دادرسی عادلانه در جلسات دادرسی شوراهای؛
- عدم تخصیص بودجه و حقوق و پاداش مناسب به اعضای و کارکنان شورای حل اختلاف؛

- تغییر رویکرد رسیدگی شورای حل اختلاف از سازش به صدور حکم و غلبه موارد صدور رای بر موارد صلح و سازش؛
- افزایش ورودی و تراکم پرونده‌های رسیدگی و اجرای احکام و لزوم مختومه نمودن پرونده‌های مسن در جهت کاهش اطاله دادرسی.

برآمد

شورا حل اختلاف به عنوان یک نهاد شبه قضایی مدت نسبتاً زیادی است که وارد نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران گردیده است گرچه فلسفه تشکیل پ و ایجاد شورا حل اختلاف در بدو تاسیس آن حل اختلاف افراد جامعه ایجاد صلح و سازش از طریق مشارکت مردمی را به ذهن متبادر و تداعی می‌نماید. اما واقعیت انکارناپذیر، مربوط به چالش حجم وسیع و گسترده ورودی پرونده‌ها به دستگاه قضایی می‌باشد. این ازدیاد و تراکم پرونده‌ها و اثرات نامطلوب آن از قبیل اطاله در دادرسی و اجرای احکام، دستگاه قضایی را وادار نمود اقدام به اتخاذ سیاست قضا زدایی نماید. مقوله قضا زدایی از طریق شورا نه تنها نافی صلاحیت عام دادگستری نیست بلکه رسیدگی در این مرجع از لحاظ پایین بودن هزینه دادرسی، دوری از تشریفات دادرسی، و آسان و کوتاه بودن زمان رسیدگی، تلاش و اهتمام اعضای شورا در حصول سازش و فصل خصومت، قبل از مراجعه مستقیم به مراجع قضایی از موجبات تحقق اهداف قضا زدایی شده است. عبارت دیگر اگر مهمترین هدف قضا زدایی راهکاری فنی بر ای کاستن از تراکم پرونده‌ها و دعاوی در مراجع رسمی دادگستری باشد، به نظر می‌رسد بهترین مفهوم بجای قضا زدایی، عبارت تمرکز زدایی از رسیدگی‌های قضایی است. در این راستا شورای حل اختلاف بهترین نهاد برای تمرکز زدایی از رسیدگی‌های قضایی خواهد بود. مطالعه آماری در خصوص عملکرد ۱۰ ساله فعالیت شوراها حکایت از عملکرد مثبت و تجربه موفق از تفویض برخی از وظایف دستگاه قضایی به نهادهای مردمی و مشارکت عمومی می‌باشد.

اما برای تحقق قضا زدایی واقعی از طریق شورا می‌بایست اولاً: فلسفه اصلی و هدف از تاسیس شورای حل اختلاف برای اعضای شورا باز تعریف گردد و رویکرد آن‌ها از رسیدگی و صدور احکام فاقد ایتقان به فصل خصومت واقعی و حل اختلاف از طریق رعایت اصول دادرسی منصفانه و صلح سازس تغییر یابد. ثانیاً: در راستای کارآمد نمودن نیروی انسانی (اعضای صلح سازش) ضمن متعادل سازی ترکیب جنسیتی اعضای شورا از طریق گزینش و انتخاب صحیح اعضاء و استفاده بیشتر از مردان و ریش سفیدان که توانایی چانه زنی و تاثیرگذاری آن‌ها در حصول سازش موثرتر می‌باشد نتیجه جلسات رسیدگی شورا به سمت تحقق و حصول صلح سازش سوق داده شود ثالثاً: آموزش‌های

لازم و کاربردی در جهت تربیت اعضاء و سازشگران بطور مستمر برگزار گردد و با تربیت افراد حرفه‌ای در شعب شورا و استفاده از ظرفیت‌ها و نهادهای مردمی خارج از شورا مانند صلح یاران و ایدیرها در جهت سوق دادن اصحاب دعاوی برای اصلاح ذات بین بدوا از ثبت پرونده‌های قضایی در نهاد شورا کاسته شود و در صورت ورود پرونده به شورا بطور میانگین پنجاه درصد از آن‌ها منتج به سازش گردیده بدین ترتیب ریشه اختلافات و دعاوی بعدی نیز ریشه کن شود. در این صورت شوراها می‌توانند نقش بسزایی در قضا‌دایی و کاهش ورودی پرونده‌ها به محاکم ایفا نمایند.

پیشنهادات

- لزوم تدوین قانون و مقررات جامع و نوین، متناسب به خصوصیات و نیازهای جامعه و تقویت واحدهای صلح سازش به جهت سوق دادن طرفین برای اصلاح ذات البین؛
- اعطای اختیارات به دادسراها و داگستری‌ها در مقام ارجاع پرونده به جهت صلح و سازش در راستای ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۱۱ قانون شورای حل اختلاف به جهت صلح و سازش و میانجیگری؛
- استفاده از پتانسیل تخصصی صنوف و قشرهای مختلف کارمندی، کارگری و دانشگاهی برای رفع مراعات مردمی به ویژه اختلافات و دعاوی مطروح در حوزه کاری هر یک از آنان از طریق راه اندازی شوراهای حل اختلاف تخصصی نظیر ویژه زندان، امور بانکی، بیمه، امور پزشکی و غیره ... در جهت کاهش ورودی پرونده‌های مربوطه به دستگاه قضایی؛
- استفاده از ظرفیت قانونی شورا (ماده ۴۲ قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴) در خصوص تعیین شورا به عنوان داور مرضی طرفین در قراردادهای منعقد از قبیل پیمانکاری، مباحثه نامه‌ها، اجار نامه‌ها و غیره در جهت عدم تشکیل پرونده‌های قضایی؛
- تشکیل شورای حل اختلاف در خصوص موضوعات خانوادگی و استفاده از اعضاء و مشاوران متخصص ذیصلاح در جهت حل فصل ریشه‌ای اختلافات تا موجب برگشت به مراجع قضایی نشود و از این طریق نیز می‌توان به یک قضا زدایی پایدار دست یافت. تقویت نهادهای مردمی و حس مسئولیت پذیری جمعی و ایجاد شرایط فرهنگی مناسب برای اجرای صحیح و اصول استفاده از نهادهای شبه قضایی و مردمی که متضمن افزایش قضا زدایی می‌باشد؛
- استفاده از نهادهای اجتماعی غیر حاکمیتی، گروه‌ها و سمن‌های اجتماعی، انجمن‌ها و مجامع فرهنگی و مذهبی صلح یاران، مددکاران اجتماعی، افراد شاخص و تاثیر گذار در جامعه، زعمای قوم و بزرگان طوایف در منطقه با رویکرد زیست بومی، در جهت حل فصل اختلافات افراد جامعه، با محوریت شورای حل اختلاف و جلوگیری از تشکیل پرونده‌ای قضایی و ورود و ثبت آن‌ها به دادگستری‌ها.
- تقویت نهادهای مردمی و حس مسئولیت پذیری جمعی و ایجاد شرایط فرهنگی مناسب برای اجرای صحیح و اصول استفاده از نهادهای شبه قضایی و مردمی که متضمن افزایش قضا زدایی می‌باشد.

منابع الف) فارسی

۱. آخوندی، محمود، *آیین دادرسی کیفری*، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸ جلد دوم.
۲. اردبیلی، محمدعلی، *حقوق جزای عمومی*، نشر میزان، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۵، جلد اول.
۳. بریث وی، جان، *عدالت ترمیمی*، ترجمه مهرداد رایجیان اصلی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۳، ۱۳۸۵.
۴. پیکا، ژرژ، *جرم شناسی*، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۰.
۵. حمیدیان، حسن، *مجموعه مقالات حقوقی*، اجتماعی، چاپ اول، تهران ۱۳۸۷.
۶. رایت، مارتین، *عدالت ترمیمی، ارتقاء بخشیدن رویکرد بزه دیده محوری*، ترجمه امیر سماواتی پیروز، انتشارات خلیلیان، چاپ اول.
۷. رایجیان، مهرداد، *بزه دیده در فرایند کیفری*، انتشارات خط سوم، چاپ اول ۱۳۸۱.
۸. رهگشا، امیر حسین، *نگاهی به سوراخهای حل اختلاف*، انتشارات دانشور، چاپ چهارم ۱۳۸۵.
۹. رهگشا، امیر حسین، *نگاهی به شورای حل اختلاف موضوع ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه*.
۱۰. زهر، هوارد، *عدالت ترمیمی* (کتاب کوچک)، ترجمه دکتر حسین غلامی، انتشارات مجد، جلد اول، ۱۳۸۳.
۱۱. سلامی، جعفر، *مراجع اختصاصی شبه قضایی*، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۱۲. قهرمانی، نصرالله، *توسعه قضایی و نهاد داور*، مجله کانون وکلا، دوره جدید، شماره ۳.
۱۳. عباسی، مصطفی، *افق های نوین عدالت ترمیمی در میانجی گری کیفری*، تهران، انتشارات دانشور، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۱۴. عباسی، مصطفی، *عدالت ترمیمی، دیدگاه نوین عدالت کیفری*، مجله پژوهش حقوق عمومی، دوره ۵، شماره ۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۲.

۱۵. عملکرد ده ساله شورای حل اختلاف، معاونت انفورماتیک مرکز امور شورای حل اختلاف قوه قضاییه، تهران، شهریور ۱۳۹۸.
۱۶. فتحی، حجت‌اله...، *نقد و بررسی شوراهای حل اختلاف*، فصلنامه فقه و حقوق، شماره ۴، بهار ۱۳۸۴.
۱۷. فرجیها، محمد، چکیده مقالات، دومین همایش دوسالانه، بین المللی عدالت ترمیمی، انتشارات نشر میزان، بهار ۱۳۹۷.
۱۸. قدیری صوفی، رضا، *اصول حتمیت، قطعیت و سرعت در قصاص نفس*، انتشارات شاکلید، ۱۳۹۵.
۱۹. قهرمانی، نصرالله، توسعه قضایی و نهاد داوری، مجله کانون وکلا، دوره جدید، شماره ۳.
۲۰. مارشال، تونی، عدالت ترمیمی «*رتقا بخشیدن رویکرد بزه دیده محور*»، مجموعه مقالات، مارتین رایت، تونی مارشال.
۲۱. مجموعه مقالات حقوقی، اجتماعی، حمیدیان، حسن چاپ اول، تهران ۱۳۸۷.
۲۲. مقاله، حقوقی، قضات انتصاب در فرانسه، حیدر نژاد، تهران ۱۳۹۸.
۲۳. نجفی ابرند آبادی، علی حسین، عدالت کیفری «کلاسیک» تا عدالت «ترمیمی»، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۹ و ۱۰.
۲۴. نجفی ابرند آبادی، علی حسین، هاشم بیگی، حمید، *دانشنامه جرم شناسی*، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۱۴۲.
۲۵. نهادهای اساسی در امریکا، فردینانداف استون، مترجم سید حسین صفایی، ناشران: جنگل جاودانه، چاپ اول، تهران ۱۳۸۸.
۲۶. نیازپور، امیرحسین، *توافقی شدن، آیین دادرسی کیفری*، انتشارات میزان، ۱۳۹۰.

ب) انگلیسی

1. Bonafe, Schmitt Jean, Pierre, La médiation pénale en France et aux Etats-Unis, Humanities and Social Sciences / Sociology, 2010, pp 199.
2. Dignan, James, understanding victims and restorative justice. First published, Open University press, 2005, USA, 238.

3. Lantin Mallet Mickaële, Les modes de résolution des litiges alternatifs au procès: une transformation du rituel judiciaire au pénal. L'exemple de la médiation pénale, Oñati socio-legal series, ISSN-e 2079-5971, Vol. 8, N. 3, 2018, pp. 363-385.
4. Morris, Critiquing the Critics: A brief response to critics restorative justice. British journal of criminology, 2002, 42, 596.
5. Payan Guillaume, La médiation pénale, N. Fricero (dir.). Le guide des modes amiables de résolution des différends (MARD) 2017/2018, Dalloz, pp. 459 - 485, 2017.